

شامل اشخاص حقیقی و شرکت‌ها می‌شود) و قوانین بین‌المللی می‌شود. این اصطلاحات را می‌توان در پرتو سنت قانون اساسی متفاوت آمریکا و اروپا نیز بررسی نمود. از نظر سنت قانون اساسی اروپایی، اصطلاح فدراسیون معادل دولت فدرال مستقل در قوانین بین‌المللی است؛ بنابراین، بدون تعدیلاتی اتحادیه اروپا را نمی‌توان یک دولت فدرال یا فدراسیون نامید. لذا اتحادیه اروپا اگرچه لزوماً فدراسیون نیست، اما از یک انجمن تجارت آزاد هم بیشتر است. با این حال، معمولاً طبیعت آن را فدرال و یا براساس فدرال توصیف می‌کنند. دادگاه قانون اساسی آلمان اتحادیه اروپا را به عنوان انجمنی از کشورهای مستقل می‌شناسد و تأکید می‌کند که با فدراسیون شدن اتحادیه اروپا، قانون اساسی آلمان نیاز به جایگزینی دارد. بسیاری دیگر ادعا می‌کنند که اتحادیه اروپا تبدیل به دولت فدرال نخواهد شد اما به عنوان یک سازمان بین‌المللی به کمال رسیده است.



ماهیت قانون اساسی

می‌کنند. به همین دلیل، این سازمان، در گذشته، با عنوان لاتین «سو جتزیس» (sui generis) به معنی غیرقابل‌مقایسه و در نوع خود بی‌نظیر نامیده می‌شد. امروزه استدلال می‌شود که این نامگذاری دیگر درست نیست. خود سازمان به‌طور سنتی از اصطلاح «جامعه» و بعد از آن اصطلاح «اتحادیه» استفاده می‌کند. مشکلات طبقه‌بندی شامل تفاوت بین قانون ملی (که در آن افراد [تحت نظارت] قانون

درباره طبقه‌بندی اتحادیه اروپا از نظر قوانین بین‌المللی و قانون اساسی بحث‌های بسیاری شده است. به لحاظ تاریخی، اتحادیه اروپا یک سازمان بین‌المللی است و از بابت برخی معیارها، می‌توان آن را به عنوان یک کنفدراسیون طبقه‌بندی کرد، اما این اتحادیه همچنین بسیاری از ویژگی‌های فدراسیون را دارد، به‌طوری که برخی آن را به طور دوفاکتو فدراسیونی از دولت‌ها طبقه‌بندی

مستقیم هر ۵ سال یک بار انجام می‌شود، اما هیچ حزب سیاسی منسجمی مانند نمونه‌های ملی آن، وجود ندارد. در عوض، اتحادیه‌ای از احزاب با دیدگاه‌های ایدئولوژیک مشابه وجود دارد که قیام و قعودشان در پارلمان هماهنگ است. حزب مردم (راست‌گرا) به عنوان بزرگترین گروه در پارلمان از سال ۱۹۹۹ تاکنون و حزب سوسیالیست اروپا (میانه‌رو چپ‌گرا) ۲ حزب اصلی پارلمان اروپا هستند. علاوه بر تقسیم احزاب به چپ و راست در سیاست اروپا، یک تقسیم‌بندی دو گانه دیگر هم وجود دارد: احزاب مخالف یکپارچگی اروپا (وحدت‌گرایز) اروپا‌گریز (Euro-scepticism) و احزاب موافق آن (وحدت‌گرا/اروپادوست) (Pro-Europeanism). این ویژگی باعث تغییر شکل مستمر اتحادیه اروپا در اثر تصویب معاهدات اصلاحی پی در پی می‌شود. وحدت‌گریزی در شمال قاره اروپا قوی‌تر است، به ویژه انگلیس که به طور سنتی درباره میزبان و چگونگی همراهی با اتحادیه در تردید همیشگی بوده است. به هر روی برخی کشورهای عضو نسبت به سایرین کمتر یکپارچه هستند.



سیاست اتحادیه اروپا

مردم‌سالار و انتخابات مستقیم پارلمان اروپا بنا شده است. با این حال نقش پارلمان در موضوعات اساسی اتحادیه عملاً تشریفاتی است. پارلمان، همراه با شورای اروپا، ۲ بازوی قانونگذار اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند. این شورا از دولت‌های ملی تشکیل شده است و در نتیجه ماهیت نمایندگی بین‌دولتی اتحادیه اروپا را به‌عهده دارد. قوانین توسط کمیسیون اروپا (European Commission) که منصوب و پاسخگو به پارلمان و شورای اروپاست، پیشنهاد می‌شود با این وجود کمیسیون در عمل قدرت اجرایی بسیار کمی دارد. اگرچه انتخابات

براساس قانون اساسی اتحادیه، برخی قوانین و پیمان‌ها بر قوانین ملی غلبه دارند و حوزه‌های سیاسی به مراتب بیشتر از کنفدراسیون‌های تاریخی هستند، با این حال اتحادیه اروپا از تصویب قانون خارج از حیطه اختیار خود منع شده است. به ویژه هنگامی که دخالت در یک حوزه با سطح ملی یا محلی به اتحادیه تفویض اختیار (Subsidiarity) نشده باشد. نهادهای مشترک جنبه‌های بین‌دولتی و فراملی (مشابه فدرالی) اتحادیه اروپا را با هم درمی‌آمیزند. معاهدات به لحاظ ادعایی می‌گویند که اتحادیه اروپا براساس نمایندگی